

متن پرسش

سلام آقای طاهرزاده وقتتون بخیر. شهادت رهبر عزیزمون رو تسلیت عرض می‌کنم. آقای طاهرزاده در جریانات اخیر من متوجه یه جور تناقض در خودم شدم. حالتی بین شجاعت مطلق و ترسو بودن مطلق. من به هیچ وجه از بمب و جنگنده و مردن نمی‌ترسم. هرشب برای سلام دادن به امام حسین به پشت بوم میرم. گاهی جنگنده از بغلم رد میشه و زمین زیر پام می‌لرزه. اما خدا شاهد آب توی دلم تکون نمی‌خوره. موقعی که در راهپیمایی روز قدس دشمن ساختمون در میدان انقلاب تهران رو زد من کنار ساختمون بودم و حتی آسیب جزئی هم دیدم. اما حتی یک لحظه نترسیدم. بلافاصله پرچم رو تکون دادم و با صدای بلند الله اکبر گفتم و مردم رو به شور آوردم. همه دوستان می‌گن از خونه‌تون برو به یه شهر دیگه چون محله شما خیلی خطرناکه. اما من تا الان یک بار هم از اینجا بودن نترسیدم. حتی به راحتی زیر صدای جنگ می‌خوابم. به عکس شجاعتی که گفتم، نگاه بقیه خیلی برام مهمه. وقتی تمسخر نگاه بقیه، ریشخند یا حرف مخالف می‌شنوم انقدر ترس به دلم می‌افته که تا مرز جنون پیش میرم. موقع راهپیمایی نگاهم به اطرافیان و "غیر خداست". اگر ترس و ناامیدی در چهره مخالفین ببینم خوشحال میشم و اگر تمسخر ببینم به هم می‌ریزم. گاهی حتی می‌ترسم تنها تا مسجد برم. دائم دارم فکر می‌کنم اگه یکی بهم فلان حرف رو زد چی جوابشو بدم. دوست ندارم این طوری باشم. می‌خوام دیگران هم برام انقدر بی‌اهمیت باشن که انگار هیچ کسی توی دنیا وجود نداره. تو رو خدا یه راهنمایی واقعی بهم بکنید. هروقت ازتون کمک خواستم فقط یه بیت شعر حافظ و جملات کلی تحویلم دادید. من واقعا نیاز به کمک دارم و دست نیاز به سمتتون دراز کردم. و خدا گفته و اما السائل فلا تنهر...

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: خدا را شکر کنید از اینکه در صفای شجاعت قرار گرفته شده‌اید و خدا را شکر کنید که متوجه این ضعف که نظر دیگران برایتان مهم شده است، شده‌اید. این مسئله بسیار مهمی می‌باشد به همان معنایی که فرموده‌اند این آخرین ضعفی است که باید از قلب مؤمن پاک شود. در این رابطه خوب است به مباحث «ده نکته در معرفت نفس» و سپس به نگاه معرفتی که «برهان صدیقین» وارد شده؛ پردازید و پس از آن به مباحث دعای مکارم الاخلاق حضرت سجاد «علیه السلام» که شرح آن روی سایت هست، ورود بفرمایید. موفق باشید

